

مباحث لسانی

دستور زبان

بقلم آقای ملک الشعراء بهار

ستاره و شگوه

۱ - بعضی مردم کاهل و خود خواه شاید باین مقالات کوچک که نتیجه زحمتهما و مطالعه ها و مباحثه های بسیار دور و دراز است و نوشتن و درست نوشتن آنها کار هر کسی نیست بنظر لاقیدی نگاه کنند - بگویند : ای بابا چه فرقی دارد که ما بالشکاه بگوئیم یا پالایشگاه یا چه تفاوت دارد که ما (آن) بگوئیم یا (او) ، اینها چه حرفی است الفاظ باید دلالت بر معنی کنند وقتی که طرف مقصود ما را بفهمد چه تفاوتی دارد ؟

این سخن دلیل بر طفره و تعلل است لسانی و مطالعات فرنگی
گوینده این سخنان هرج و مرج طلب است ، این شخص اگر طلبی هم از کسی داشته باشد میل دارد وسط خیابان بیخه طرف را چسبیده او را پیرداختن دین خیالی خود و ادار سازد ، یا او را در خانه خود حبس کند و طلبش را وصول کند - او بعدلیه نمیخواهد برود زیرا میگوید باید طلبم را وصول کنم چه از راه قانونی ، چه از راه زور ، تفاوتی ندارد ؟

ولی همین شخص را نمیتوانید حاضر سازید که کلاه خود را معکوس بسریکندارد یا نیم تنه خویش را وارونه بتن کند - با آنکه مقصود از کلاه و لباس پوشش سرو تن است کج باراست بودن آن چه تفاوت دارد .

فاعدهٔ زبان نیز ازین قبیل است .

هر زبانی قواعدی دارد که باید رعایت شود - هر چند بواسطهٔ تکرار بعضی غلطها حالا دیگر آن غلط بنظر عادی بیاید و در جملهٔ بندی و مفهوم سخن تغییری حاصل نسازد .

ما باید رعایت قواعد زبان را مثل رعایت قوانین کشور و آداب لباس پوشیدن محترم بشماریم ، و غلط ننویسیم و درست سخن بگوئیم ، زیرا نظم جامعهٔ ادبی نیز مانند انتظامات دیگر جوامع قابل احترام است .



۴- جوانانی می بینم که صاحب دلتد و خوب چیز مینویسند .

این مردان تازه و نوهم درس خوانده اند - هم کتاب میخوانند و هم کار میکنند و هر کس صاحب دل شد - درس هم خواند ، کتاب خوان هم بود و از کار تن نزد و پشت کار داشت ، بجائی رسید .

امیدواریم این مردان هم بجای بزرگی برسند .

من بایران و ایرانی امیدواریم ، بگذار باز هم بتك حوادث ما را بگوید ، بگذار چنگیز و تاتار دیگر یکبار دیگر هم ما را خرد و خمیر کنند ، بگذار نان و نروت ما را باز هم غارت کنند و ببرند - آفر روز هر چه داشتیم به « خان بالغ » رفت ، بگذار حالا هم هر چه داریم بافریقا یا اروپا برود ! ...

آیا این آسمان الهام بخش را هم از ما خواهند گرفت ؟

تا این آسمان الهام بخش و این زبان پهناور بزرگ که من میدانم چه اقیانوس پر جزر و مدی است - و این مغز های حساس و دماغهای صنعت گر و هوشهای تند در زیر این سقف آبگون باقی است ، ما از داشتن بزرگان و مردان نامدار محروم نخواهیم بود !

بچهها درست فکر کنید ، کار کنید و نوید مشوید !



۳ - بیایم سر حرف خودمان .

در قدیم که هنوز زبان دری باستواری خود باقی بود، و گویندگان و نویسندگان بقواعد زبان مادری آشنا بودند - ضمیر مفرد غایب مطلقا « او » یا « وی » و ضمیر جمع غایب « آنان » - « آنها » و « ایشان » بود.

بعد ها که تطوری در زبان پیدا شد، تقسیمی بعمل آمد - یعنی ضمیر مفرد غایب را اگر از محسوسات بود خواه جاندار و خواه بیجان - مطلقا « او » یا « وی » می آوردند. و اگر مفرد غایب از جمله مجردات و معانی بود آنرا هم گاهی که نایب مناب محسوسات قرار میگرفت باز ضمیرش را « او » یا « وی » می آوردند و اگر نه ضمیر او را « آن » می آوردند .

بعد باز تطوری دیگر روی داد - نظر بدشوار بودن تشخیصی که ذکر کردیم و در نتیجه استعمالات غلط عصر صفویه که حتی اسم اشاره را هم « او » می آوردند - مثل: او مرد بزرگ آمد - او لشکر کشی رفت - او صدراعظم مرد - بجای آن مرد و آن لشکر و آن صدراعظم، تقسیم بندی دیگری شده گفتند اگر مفرد غایب جاندار بود باید ضمیرش را « او » آورد و اگر بیجان و از قسم مجردات و اسم معنی بود ضمیرش را باید « آن » آورد.

اینطور :

« حسین حاضر بود مابخانه او فرود آمدیم » یا « رودخانه سر راه ما بود ما از آن گذشتیم »

این قاعده يك قاعده علمي نیست و چنانکه گفتیم حق آنست که حسین ورودخانه مردو مفرد غایب آند و باید ضمیر هر دو « او » یا « وی » باشد ... مملک چون برای فهمانیدن بمعلم آسان تر بود مرسوم شد .

درین اواخر می خواهد تطوری دیگری روی دهد که یکی بنیان زبان را بهم زند و

جمله را از حیث فهم خارج سازد - و آن اینست که مطلقا ضمیر مفرد غایب را چه مرجع او جاندار چه بیجان باشد ' آن ' میآورند
مثال :

' مدیره' مدرسه از پذیرفتن این بچه یتیم خود داری نمود - بالتماس و زاری
آن بخشونت جواب داد '

که باید بگوید: بالتماس و زاری او، یا: بالتماس و زاری وی، یا: بالتماس و زاری آن بچه.

و این اشتباه در غالب جراید دیده میشود - مثلا - ممالک - پارلمانها - دولتها را غیر جاندار می پندارند و ضمیر آنها را ' آن ' میآورند، در حالی که دولت و مملکت و جماعت جاندارند و در عداد ذوی الارواح و حتی ذوی العقول حساب میشود، چه از ذوی العقول ترکیب یافته اند. و از همه بدتر که دیدیم ضمیر ' بچه یتیم ' را ' آن ' آورده بودند.



۴ - در فارسی رسم است که جمعهای جاندار که در جمله واقع شده باشند فعل متعلق بجمع نامبرده را جمع میآورند و اگر آنجمع از غیر ذوی الارواح یا از معانی باشد فعل متعلق باو را مفرد میآورند، مگر در مواردی که جمع غیر ذوی الارواح قائم مقام ذوی الارواح قرار گرفته باشد یا در حالت تشبیه واقع شده باشد.

بعد از مشروطه بتقلید السنه خارجه این قاعده نیز بهم خورده است و جراید گاهی این اشتباه را مرتکب میشوند، مثال :

' هنگامی که سنگی را توی آب می اندازید حلقه های آن دایم بزرگ و بزرگتر میگرددند '

که باید بگوید: ' حلقهای آن دایم بزرگ و بزرگتر میگردد '



۵ - جلو - پرتو و سایر کلماتی که حرف آخر آنها و او ساکن ماقبل مفتوح

باشد حاجت باین ندارد که بعد از آنها در حال اضافه حرف «ی» نوشته شود و جلوی-
 پرتوی در عوض جلو- پرتو نوشته شود زیرا در لغات «گلو» و «سبو» که در حال اضافه سبوی
 گلوی مینویسند از آنست که الف و او با شباع و یا ی به اشباع دارای حرکتی نیستند و چون
 در حین اضافه هر حرفی باید حرکت کسره به خود بگیرد و این حروف هم قابل حرکت نیست
 بنابراین یایی به داز الف و او زیاد میکنند منتهی یای بعد از یای آخر را در همان حرف
 آخر مستتر میسازند - مثل : سبوی او ، جای من ، بازی کودکان ، و حتی متقدمان
 بعد از «ها» ی غیر ملفوظ که آنها هم بیصداست یائی علاوه میکرده اند مثل : خانه ی
 من - کوچی شما

اما «جلو» و «پرتو» و «پلو» و «چلو» از آن قبیل نیست و حرف
 آخر اینها و او ساکن است نه و او اشباع شده که «او» صدا بدهد - بنا بر این دیگر
 افزودن و او در این الفاظ حین اضافه کار لغوی است و باعث بر این است که خواننده
 «جلو» را «جلوی» بضم لام و اشباع و او بخواند و «پرتو» را «پرتوی» بر وزن
 «کم روی» قرائت کند و این خطاست.

م . بهار

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گرداننده ای هست !

چرا گردند کرد مرکز خاک
 چه میجویند ازین مهمل کشیدن
 که گفت این را بجانب آن را بیارام
 عنایت بانک بر زد کای نظامی
 که این بتها نه خود را میپرستند
 بدید آرند خود را طلبکار

خبر داری که سیاحان افلاک
 چه میخواهند ازین منزل بریدن
 چرا این ثابت است آن منقلب نام
 چو حیرت کرد لغتی تیز گامی
 مشو فتنه بر این بتها که هستند
 همه هستند سرگردان چوپر کار

بلی در طبع هر داند ای هست
 که با گردنده گرداننده ای هست

نظامی